

استراتژی جهانی در امنیت غذایی

دکتر محمدسعید نوری نائینی

مقدمه

بگذارید با واقعیات آغاز کنیم. تقریباً در تمامی دنیا طی اعصار و قرون سخت‌ترین و بالاترین مجازات اعدام بوده است. به عبارت دیگر، بشر پذیرفته است که گرانبهارترین چیزی را که می‌توان از کسی گرفت جان اوست. چون چنین است آنچه به حفظ جان می‌انجامد به طور طبیعی باید ارزشمند باشد. در حفظ جان نیز عواملی متعدد و گونه‌گون دخالت دارند. پس از آب آنچه از همه مهم‌تر و عام‌تر است غذاست. برای ادامه یک زندگی کارآمد و مفید در هر روز از عمرمان به غذا نیاز داریم و بر اساس محاسبات هر انسان به طور متوسط در طی زندگی اش به پنجاه تن تولیدات کشاورزی (غذا) نیاز دارد. این نیاز در مجموع هم رقمی چشمگیر است و هم دائمی و مستمر و نمی‌توان تأمین آن را به آینده و به فراهم شدن امکانات موکول کرد. فقدان آن حتی برای چند روز مشکل ایجاد می‌کند و بیش از آن مقدور نیست. وجود ناامنی در تأمین غذا، در سطح خانوار و کشور موجب بروز ناامنی‌های اجتماعی-اقتصادی می‌شود و در سطح بین‌المللی ممکن است به خون‌ریزی و جنگ کشیده شود.

بشر قرن‌ها ابتدا تأمین غذای خود و سپس خانواده‌اش را مهم‌ترین فعالیت حیات می‌دانست.

با گذشت زمان و با پیدایش شهرها و کشورها این امر به دغدغه‌ای ملی تبدیل شد. با رونق گرفتن بازار اقتصاد توسعه نظریه‌های خوداتکایی و خودکفایی و از جمله مهم‌ترین آنها خودکفایی غذایی یکی از محورهای عمده بحث‌های روشنفکری-ملی شد و هنوز هم علی‌رغم اُفت و خیزهای بسیار یکی از گفت‌وگوهای مهم و یکی از سیاست‌های اقتصادی ملی بسیاری از کشورها است. بحث‌های تغییرات ساختاری، آزادسازی اقتصادی، روی آوری بسیاری از کشورها به پذیرش قوانین عرضه و تقاضا، رقابت، و دستهای نامرئی و سرانجام مقوله جهانی شدن اقتصادهای ملی که بسیاری از دیوارهای حمایتی ملی را فرو ریخته و افزایش رفاه ملی را در چارچوب رفتارهای اقتصاد آزاد بین‌المللی جست‌وجو می‌کند نیز، گرچه بر نحوه نگرش به حل مسئله تأمین غذا تأثیراتی عمیق برجای گذاشته است ولی برخلاف بسیاری از زمینه‌ها در این مورد به لزوم تمهیدات غیراقتصادی و اقدامات بشر دوستانه و همه چیز را در چارچوب محاسبات اقتصادی ندیدن تن در داده است.

در این مقاله تلاش شده است تا پاره‌ای از مفاهیم، اقدامات و دستاوردهای بین‌المللی در این زمینه که با عنوان "امنیت غذایی" اهمیت روزافزونی یافته است، بررسی شود.

امنیت غذایی

برای امنیت غذایی تعاریف رسمی متعددی وجود دارد که نمایانگر تکامل نگرش بین‌المللی به این موضوع است.

در سال ۱۹۷۵ سازمان ملل متحد امنیت غذایی را چنین تعریف کرد:

امنیت غذایی عبارت است از عرضه مستمر کالاهای غذایی اصلی در سطح جهانی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن اثرات نامطلوب نوسانات تولید و قیمت غذا.

نه سال بعد سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) تعریف زیر را پیشنهاد کرد:

امنیت غذایی یعنی اطمینان از این که همه مردم در همه اوقات به غذاهای اصلی مورد نیاز خویش دسترسی فیزیکی و اقتصادی دارند.

بانک جهانی در سال ۱۹۸۶ امنیت غذایی را به شرح زیر تعریف کرد:
امنیت غذایی عبارت است از دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات به منظور یک زندگی سالم و فعال.

کنفرانس بین‌المللی تغذیه در سال ۱۹۹۳ نیز تعریف بانک جهانی را به عنوان تعریفی کاربردی پذیرفت. بالاخره اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ آخرین تعریف امنیت غذایی مورد قبول تمامی شرکت‌کنندگان را به شرح زیر اعلام کرد:

امنیت غذایی آنگاه وجود دارد که همه مردم در تمامی ایام به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند و غذای در دسترس نیازهای یک رژیم تغذیه‌ای سازگار با ترجیحات آنان را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم سازد.

حق غذای کافی برای همه

قوانین بین‌المللی در موارد متعددی حق انسان در دسترسی به غذای کافی^۱ را مورد توجه قرار داده و "پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی"^۲ فراگیرتر از سایر نهادهای بین‌المللی به این مسئله پرداخته است.

بند اول ماده ۱۱ این پیمان حق هر فرد و اعضای هر خانوار را به برخورداری از استانداردهای لازم زندگی، از جمله غذا، پوشاک و مسکن کافی و لزوم بهبود مستمر شرایط زندگی مورد تأکید قرار داده است. در بند دوم همین ماده تأکید شده است که گام‌های فوری‌تر و ضروری‌تری برای اطمینان از "حق مسلم رهایی از گرسنگی و سوء تغذیه" یکی از نیازهای انسان است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد در بیستمین اجلاس خود که چند ماه قبل، (۲۶ آوریل تا ۱۴ مه سال ۱۹۹۹) در ژنو تشکیل شد مسئله "حق غذا" را مورد بحث قرار داد و تأیید کرد که حق غذای کافی به‌نحوی انکارناپذیر با شرافت بشر و سایر حقوق انسان در "منشور حقوق بشر" همبستگی دارد و عدالت اجتماعی در گرو پذیرش سیاست‌های مناسب

1. The right to adequate food

2. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ناظر به محو فقر برای همه افراد بشر هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی است.

در همین ماده تأکید شده است که حق غذا را نباید به صرف فراهم بودن سطح معینی از انرژی و پروتئین محدود کرد بلکه این حق باید با گذشت زمان به طریقی مناسب تحول یابد و بهبود پذیرد. در این متن بر دو ویژگی مهم حق غذا یعنی "کفایت" و "پایداری" تأکید شده است.

مراد از کفایت، فراهم بودن شرایط مساعد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی، اکولوژیکی و سایر شرایط لازم است، حال آن که معنای پایداری فراهم و در دسترس بودن بلندمدت غذا است. به نظر این کمیته محتوای واقعی دسترسی به غذای کافی در برگیرنده دو نکته اساسی است:

۱. فراهم بودن غذا به مقدار و با کیفیتی که برای تأمین نیازهای غذایی افراد کافی باشد، به مواد زیان‌آور آلوده نباشد و از نظر فرهنگی قابل پذیرش باشد.

۲. چنین غذایی باید به گونه‌ای پایدار و مستمر در دسترس باشد و با بهره‌مندی از سایر حقوق بشر منافاتی نداشته باشد. دسترسی هم به جنبه فیزیکی و هم به بُعد اقتصادی مسئله اشاره دارد یعنی غذا باید هم عملاً در دسترس باشد و هم همه افراد قدرت خرید آن را داشته باشند.

در این پیمان، وظایف قانونی کشورها تعیین شده است. وظیفه اصلی هر دولتی آن است که هرچه سریع‌تر اقدامات لازم را برای نیل به "حق غذای کافی" به‌طور کامل انجام دهد. هر کشور باید برای همه اتباع خویش دسترسی به حداقل غذای لازم و کافی و سالم را فراهم ساخته و رهایی همه شهروندان را از گرسنگی تضمین کند. اگر کشوری مدعی باشد که به دلایلی خارج از اختیار قادر به انجام وظایف اش نیست باید بتواند ثابت کند که همه تلاش‌اش را در این زمینه به کار برده ولی به توفیق کامل دست نیافته است. علاوه بر این، هر نوع تبعیض در دسترسی افراد به غذا و نیز هرگونه تبعیض در راههای تأمین و خرید غذا براساس عواملی چون نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، سن، دین، باورهای سیاسی، خاستگاه ملی یا اجتماعی، ثروت و دارایی، مکان تولد و غیره مغایر با اصول پیمان یادشده خواهد بود و به منزله انکار حقوق بیان‌شده در آن است. این انکار ممکن است مستقیماً (از طرف دولت) اعمال شود یا در نتیجه ناقص بودن قوانین و مقررات به وجود آید.

گرچه فقط دولت‌ها امضاکننده پیمان و در نتیجه مسئول نهایی کردن آن هستند ولی همه اجزای جامعه، اعم از افراد، خانوارها، اجتماعات محلی، سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی و بخش خصوصی در دستیابی به حق غذای کافی مسئول‌اند. دولت باید شرایطی فراهم سازد که این مسئولیت‌ها تحقق پذیرد. بخش خصوصی، چه ملی و چه فراملیتی، موظف است فعالیت‌های خویش را در چارچوبی مشوق وجود غذای کافی برای همه که مورد توافق دولت و سازمان‌های غیردولتی باشد سازمان دهد.

این‌که چگونه باید به این امر پرداخت برای هر کشور به گونه‌ای است، ولی براساس این پیمان تمام کشورها موظف‌اند اقدامات لازم را برای تضمین رهایی همه مردم از گرسنگی و تحقق هر چه سریع‌تر "حق غذای کافی برای همه" به انجام رسانند. این امر مستلزم تصویب استراتژی ملی تضمین امنیت غذایی و تغذیه است. این استراتژی باید براساس اصول حقوق بشر باشد و اهداف، سیاست‌ها، و معیارهای لازم را برای سنجش پیشرفت، تبیین و تعیین کند. علاوه بر این منابع لازم برای دستیابی به اهداف و انتخاب بهترین شیوه عمل نیز جزئی از این استراتژی است.

تبیین و اجرای استراتژی ملی حق غذا، باید با اصول اعتماد، شفافیت، مشارکت مردمی، تمرکززدایی، ظرفیت‌های قانونی و استقلال قوه قضائیه کاملاً انطباق داشته باشد. از سوی دیگر این استراتژی نه تنها باید به نکات بحرانی و موضوعات مهم در تمامی فرایند نظام غذایی از جمله تولید، فرآوری، توزیع، بازاریابی و مصرف غذا توجه داشته باشد بلکه باید به موازات آن به مسائل دیگر از جمله بهداشت و درمان، آموزش، اشتغال و بیمه‌های اجتماعی نیز بپردازد. از جمله نکات کلیدی این استراتژی باید تلاش در پیشگیری از بروز تبعیض در دسترسی به غذا یا منابع غذایی باشد. در این مورد می‌توان به مواردی چون تضمین دسترسی کامل و برابر به منابع اقتصادی، به‌ویژه برای زنان (مثلاً وراثت و مالکیت زمین و سایر دارایی‌ها)، اعتبار، منابع طبیعی، فن‌آوری مناسب، مشاغل و حرفه‌های شخصی و انفرادی برای افراد و خانوارها در جهت کسب درآمد و تأمین زندگی آبرومند اشاره کرد. از جمله اقداماتی که دولت باید برای حفاظت از حقوق افراد در تأمین منابع اصلی غذا صورت دهد تضمین این نکته است که فعالیت‌های بخش خصوصی و جوامع مدنی باید در انطباق با حق غذا برای همه افراد باشد. حتی در مواردی چون

تعدیل اقتصادی، رکود، شرایط نامساعد جوی و جز این‌ها باید اقداماتی صورت گیرد که حق غذای کافی به ویژه برای گروههای آسیب‌پذیر خدشه‌دار نشود.

وضع کنونی غذا در جهان

تولید غذا در جهان در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال قبل نیم درصد افزایش یافته است (جدول ۱) که از سال ۱۳۷۰ تاکنون کمترین میزان رشد را داشته است. اگر تولید سرانه را محاسبه کنیم در این سال به کاهش رشدی حدود یک درصد می‌رسیم که از سال ۱۳۷۲ تاکنون بی‌سابقه بوده است (جدول ۲). این کاهش رشد هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه روی داده است با این تفاوت که کشورهای توسعه یافته با کاهش رشدی حدود یک درصد مواجه بوده‌اند ولی کشورهای در حال توسعه از افزایش رشدی معادل $1/8$ درصد برخوردار بوده‌اند.

کاهش رشد در کشورهای توسعه یافته در سال ۱۳۷۷ در درجه نخست در اثر کاهش شدید تولید در کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق به میزان ده درصد، و بیشتر در فدراسیون روسیه، قزاقستان و اوکراین اتفاق افتاده است.^۱ کشورهای اروپای شرقی توانسته‌اند تولیدشان را در حد سال قبل حفظ کنند. در بین سایر کشورهای توسعه یافته، تولید در آمریکا و استرالیا کمی افزایش داشته است در حالی که در ژاپن و اروپای غربی با اندکی کاهش مواجه بوده است (جدول ۱ و ۲).

گرچه کشورهای در حال توسعه برای سومین سال متوالی با کاهش رشد تولید مواجه بوده‌اند در مجموع تولید خویش را سریع‌تر از کشورهای توسعه یافته افزایش داده‌اند. رشد تولید $1/8$ درصد در سال ۱۳۷۷، برای این کشورها کمترین میزان رشد طی دهه جاری بوده است و اگر تولید سرانه را محاسبه کنیم به افزایش بسیار جزئی $1/10$ درصد خواهیم رسید (جدول ۲). گروه کشورهای کم‌درآمد واردکننده غذا متأسفانه هم از نظر تولید زراعی و هم از نظر تولید دامی با بدترین عملکرد خود مواجه بوده‌اند و کاهشی حدود یک درصد را در کارنامه خود ثبت کرده‌اند.

۱. در محاسبات بین‌المللی، این کشورها جزو گروه کشورهای توسعه یافته به شمار می‌روند.

جدول ۱. تغییرات سالانه تولید غذا در جهان و در مناطق مختلف

ارقام به درصد	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰
متوسط								
۱۳۷۳-۷۸	۲/۳	۰/۵	۱/۸	۴/۱	۱/۹	۳/۱	۰/۸	۲/۸
جهان	۰/۵	-۱/۰	۱/۱	۳/۲	-۱/۷	۱/۲	-۴/۱	۱/۵
کشورهای توسعه یافته	۳/۸	۱/۶	۲/۹	۳/۷	-۴/۲	۱۴/۹	-۸/۱	۸/۶
آمریکای شمالی	۳/۲	۲/۳	۰/۵	۸/۶	۹/۷	-۵/۳	۴/۰	۷/۸
اقیانوسیه	۰/۵	-۰/۴	۰/۱	۴/۳	-۰/۲	-۱/۱	-۳/۱	۱/۱
اروپای غربی	-۰/۸	-۰/۲	-۰/۲	۰/۳	۴/۷	-۸/۶	۱/۴	-۱۳/۰
اروپای شرقی	-۶/۳	-۱۲/۱	۰/۸	-۱/۱	-۵/۶	-۱۳/۶	-۴/۲	-
کشورهای تازه استقلال یافته شوروری	۳/۶	۱/۸	۲/۵	۴/۴	۴/۷	۴/۵	۴/۸	۳/۸
کشورهای در حال توسعه	۲/۲	۱/۳	-۱/۷	۴/۹	۲/۹	۳/۵	۳/۴	۱/۳
آفریقا	۴/۰	۱/۴	۳/۹	۴/۳	۵/۵	۴/۹	۶/۶	۵/۱
خاور دور و اقیانوسیه	۳/۳	۱/۶	۲/۸	۲/۱	۵/۰	۵/۱	۱/۱	۱/۷
آمریکای لاتین	۲/۸	۵/۸	-۴/۸	۱۰/۹	۰/۳	۱/۷	۱/۷	۲/۶
خاور نزدیک و شمال آفریقا	۳/۶	۰/۷	۳/۲	۴/۷	۴/۹	۴/۸	۵/۸	۴/۰
کشورهای کم درآمد و اردکننده غذا								

منبع: بانک اطلاعاتی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد.

جدول ۲. تغییرات سالانه تولید سرانه غذا (محصولات زراعی و دامی)

		ارقام به درصد									
متوسط		۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	تولید سرانه غذا	
۱۳۷۳-۷۸	متوسط										
جهان	۰/۹	-۰/۹	۰/۴	۲/۶	۰/۵	۱/۶	-۰/۶	۱/۲	-۱/۴		
کشورهای توسعه یافته	۰/۱	-۱/۵	۰/۷	۲/۹	-۲/۱	۰/۶	-۴/۶	۱/۰	-۳/۵		
کشورهای در حال توسعه	۱/۸	۰/۱	۰/۸	۲/۷	۲/۹	۲/۶	۳/۰	۲/۰	۰/۷		
آفریقا	-۰/۴	-۱/۲	-۴/۱	۲/۳	۰/۳	۰/۸	۰/۷	-۱/۵	۲/۹		
خاور دور و اقیانوسیه	۲/۵	۰/۰	۲/۴	۲/۸	۴/۰	۳/۴	۵/۰	۳/۵	۰/۶		
آمریکای لاتین	۱/۷	۰/۰	۱/۲	۰/۵	۲/۳	۳/۳	-۰/۷	۰/۰	۱/۱		
خاور نزدیک و شمال آفریقا	۰/۲	۳/۱	-۷/۲	۸/۱	-۲/۲	-۰/۹	-۰/۹	-۰/۱	-۰/۱		
کشورهای کم درآمد و اردکننده غذا	۱/۹	-۰/۹	۱/۵	۲/۹	۳/۲	۳/۰	۴/۰	۰/۴	۰/۶		

منبع: بانک اطلاعاتی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد.

تولید و مصرف غذا در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ تولید

نکات برجسته روند تولید غذا طی این پنج سال را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. تولید غذا در جهان از رشد سالانه‌ای حدود ۲/۳ درصد برخوردار بوده است که معادل نیم درصد رشد در تولید سرانه است.
 ۲. رشد تولید غذا در کشورهای در حال توسعه به نحو چشمگیری از کشورهای توسعه یافته (شامل روسیه و کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق) پیشی گرفته است.
 ۳. در بین کشورهای در حال توسعه کشورهای خاور دور و اقیانوسیه از پویایی بیشتری نسبت به بقیه کشورها برخوردار بوده‌اند (هم به طور مطلق و هم به طور سرانه). چین با رشد تولیدی معادل ۶ درصد در سال عامل عمده‌ای در بهبود عملکرد کشورهای در حال توسعه بوده است. پاکستان و ویتنام نیز از رشد تولید رضایت بخشی بهره‌مند بوده‌اند.
 ۴. کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب نیز با ثبت رشدی معادل ۳/۳ درصد در تولید کل و ۱/۷ درصد در تولید سرانه جزو گروه کشورهای موفق بوده‌اند.
 ۵. کشورهای خاور نزدیک و شمال آفریقا نیز با رشدی حدود ۲/۸ درصد عملکرد خوبی به نمایش گذارده‌اند.
 ۶. کشورهای آفریقایی و به ویژه کشورهای جنوب صحرا نتوانسته‌اند تولید خویش را همپای رشد جمعیت افزایش دهند؛ یعنی علی‌رغم افزایشی معادل ۲/۲ درصد در تولید، از نظر تولید سرانه با کاهشی معادل ۰/۴ درصد مواجه بوده‌اند.
- در جدول ۳، رشد تولید و رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه خلاصه شده است؛ ملاحظه می‌شود که ۷۷ درصد این کشورها به افزایش تولید سرانه دست یافته‌اند. اگر چین و هند را از این گروه حذف کنیم رقم فوق به ۵۵ درصد کاهش می‌یابد که نشان‌دهنده اهمیت و عملکرد خوب این دو کشور هم از نظر تولید و هم از نظر جمعیت است.
- درصد کشورهای در حال توسعه‌ای که با کاهش بیش از یک درصد در تولید سرانه خویش مواجه بوده‌اند، در مجموع بیش از هفت درصد نیست ولی بازم با حذف چین و هند این رقم به ۱۴ درصد می‌رسد که شاید رقمی واقع‌بینانه‌تر باشد.

جدول ۳. توزیع جمعیتی کشورهای در حال توسعه براساس متوسط تغییرات تولید سرانه غذا

جمعیت	جمع	خاور نزدیک و شمال آفریقا	آمریکای لاتین و کارائیب	آفریقا جنوب صحرا	خاور دور و اقیانوسیه	بدون چین و هند	خاور دور و اقیانوسیه	تغییرات متوسط سرانه ۱۳۷۳-۷۷
بدون چین و هند	میلیون درصد	میلیون درصد	میلیون درصد	میلیون درصد	میلیون درصد	میلیون درصد	میلیون درصد	درصد
۲/۸	۶۶	۱۹	۲۸	۱۸	۰	۰	۰	۵/۰ و بیشتر
۴/۶	۱,۳۲۹	۱۴	۴۹	۳۴	۱۲	۱۱	۴۰/۳	۵/۰ تا ۳/۰
۲۶/۶	۶۲۱	۹۶	۲۰۱	۵۲	۳۱/۰	۲۷۲	۸/۹	۳/۰ تا ۱/۰
۲۱/۳	۴۹۸	۶۳	۱۵۱	۷۹	۲۳/۴	۲۰۵	۳۸/۱	۱/۰ تا ۰/۰
۳۱/۰	۷۲۵	۱۰۱	۱۲	۲۵۱	۴۱/۲	۳۶۲	۱۱/۸	۰/۰ تا -۱/۰
۷/۹	۱۸۵	۳۸	۲۵	۸۰	۲/۶	۲۳	۰/۷	-۱/۰ تا -۳/۰
۵/۸	۱۳۶	۲۹	۷	۹۵	۰/۶	۵	۰/۲	-۳/۰ و کمتر
۱۰۰/۰	۲,۳۴۷	۳۶۰	۴۹۲	۶۰۸	۱۰۰	۸۷۷	۱۰۰	جمع

منبع: بانک اطلاعاتی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد.

جدول ۴ رابطه تغییرات افزایش تولید و افزایش جمعیت را در هر یک از کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد. در حدود پنجاه درصد این کشورها رشد تولید از رشد جمعیت کمتر است که در بعضی موارد نشان‌دهنده عدم توفیق در کنترل جمعیت است تا افزایش تولید. مثلاً در گینه و اتیوپی علی‌رغم افزایش تولید به بیش از ۲/۵ درصد در سال، به دلیل رشد جمعیت بیش از سه درصد، تولید سرانه کاهش یافته است ولی در جامائیکا و ترینیداد با اینکه افزایش تولید کمتر از ۱/۵ درصد بوده است، به دلیل محدود بودن رشد جمعیت به کمتر از یک درصد، تولید سرانه افزایش نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود گروه کشورهای چین، اروگوئه و کویت از هر دو نظر جزو موفق‌ترین کشورها بوده‌اند، یعنی رشد تولید را به بیش از پنج درصد و رشد جمعیت را به کمتر از یک درصد رسانده‌اند. در مقابل کشورهای کنگو و عربستان سعودی و گینه استوایی با رشد جمعیتی بیش از ۲/۵ درصد و کاهش تولیدی بیش از یک درصد در نامساعدترین وضع قرار دارند. در مورد جمهوری اسلامی ایران دو نکته قابل توضیح است: اول آنکه دو سال از مجموعه سال‌های مورد مطالعه، یعنی سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶، شاهد خشکسالی‌های بی‌سابقه‌ای بوده و آمار آن معرف تولید واقعی در یک سال معمولی نیست و با تعدیل این عامل رشد تولید از میزان ۲ تا ۲/۵ درصد ذکر شده به مراتب بیشتر خواهد شد. دیگر آنکه براساس آمارهای موجود رشد جمعیت کشور به حدود ۱/۴۷ درصد رسیده است در حالی که در جدول رشد جمعیت بین ۲ تا ۲/۵ درصد محاسبه شده است.

مصرف

پیش‌بینی می‌شود که کل مصرف غلات در جهان، در سال ۱۳۷۸، نسبت به سال قبل با افزایش جزئی به ۱،۸۸۱ میلیون تن برسد که باز هم نسبت به متوسط مصرف از سال ۱۳۷۴ به بعد کمترین مقدار خواهد بود. دلیل این رویداد نیز مشکلات اقتصادی کشورهای آسیایی است که موجب شده است تقاضا برای غلاتی که به مصرف خوراک دام می‌رسد کاهش یابد. در کشورهای تازه استقلال‌یافته شوروی نیز به دلیل کاهش تولید، مصرف کاهش خواهد یافت. در حال مصرف سرانه غلات با تغییراتی جزئی همراه خواهد بود.

جدول ۴. مقایسه رشد تولید غذا و رشد جمعیت در کشورهای درحال توسعه منتخب ۱۳۷۷-۱۳۷۳

رشد جمعیت (درصد)						
بیش تر از ۳	۳ تا ۲/۵	۲/۵ تا ۲	۲ تا ۱/۵	۱/۵ تا ۱	کم تر از ۱	
رشد تولید غذا (درصد)						
اردن، لائوس	سوریه، کاسوج، غنا	سودان، بولیوی	مغرب، تونس، پرو	گویان	چین-اوروگرته	بیش از ۶/۵
-	نیجر	پاکستان، لبنان	الجزایر	مصر- قطر- ویتنام	آرژانتین	۴ تا ۵
اریتره	کنیا، گواتمالا	زیمبابوه	شیلی	برزیل	کره جنوبی	۳ تا ۴
اتیوپی	پاراگوئه	-	-	-	-	۲/۵ تا ۳
کوموروس	کامرون	فلیپین، ایران، موزمبیق	مکزیک، هند	موریتس	-	۱ تا ۲/۵
یمن	نیجریه، نپال	آفریقای جنوبی، السالوادور	میانمار، ترکیه، بنگلادش	مالاوی	کوبا، تایوان، تایلند	۲ تا ۱/۵
-	گابن	مالزی	اندونزی	-	جامائیکا	۱/۵ تا ۱
عمان	هندوراس	ونزوئلا	-	-	سرلانکا	۱ تا ۰/۵
ماداگاسکار	-	-	قبرس، هائیتی	رواندا	-	صفر تا ۰/۵
-	لیبی	بوکینافاسو	عراق	-	-	صفر تا ۰/۵
ارگاندا	سنگال	بروندی	-	-	-	-۱ تا -۰/۵
جمهوری کنگو	عربستان سعودی	زامبیا	سنگاپور	سورینام	پورتوریکو	بیش از -۱

مأخذ: سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد.

پیش‌بینی می‌شود تجارت غلات در سال ۱۳۷۸ به ۲۰۴ میلیون تُن برسد. یعنی نسبت به سال قبل سه میلیون تُن یا حدود هفت درصد کاهش خواهد یافت. بیشترین کاهش در تجارت برنج به میزان ۵/۵ میلیون تن (بیش از بیست درصد) روی خواهد داد. تجارت گندم نیز به میزان ۲/۴ میلیون تن (۲/۵ درصد) کاهش می‌یابد. یک دلیل این کاهش افت تقاضا در کشورهای کم‌درآمد واردکننده غذا است که در سال قبل افزایش تولید داشته‌اند، ولی دو دلیل عمده کاهش واردات عبارت است از کاهش بهای نفت و مشکلات اقتصادی آسیا که هر دو بر تقاضای غلات وارداتی تأثیر منفی داشته است.

به دلیل افزایش عرضه و کاهش تقاضای واردات غلات، قیمت‌ها در سال زراعی ۱۳۷۷-۷۸ با کاهشی مستمر مواجه بود. به دلیل افزایش ذخیره غلات در کشورهای صادرکننده و ضعف تقاضا، قیمت گندم صادراتی نسبت به سال قبل کاهش یافت. ذرت، جو و برنج نیز وضع مشابهی داشته است.

قیمت بین‌المللی روغن‌ها و چربی‌های خوراکی طی سال زراعی ۱۳۷۷-۷۸ با افزایشی حدود ۱۵ درصد روندی صعودی داشت ولی این افزایش متوقف شده است و به نظر می‌رسد که در سال آینده نیز قیمت همچنان پایدار باقی بماند زیرا در کل دنیا تولید بیش از مصرف برآورد می‌شود. به همین دلیل، گرچه انتظار می‌رود که قیمت‌ها نسبت به سال قبل کاهش یابد ولی نسبت به قیمت‌های اوایل دهه ۱۳۷۰ در سطحی بالاتر باقی خواهد ماند.

کمک‌های غذایی

حجم کمک‌های غذایی در سال ۱۳۷۷ با افزایشی حدود ۵٪ درصد نسبت به سال قبل به ۵/۸ میلیون تُن رسید. علی‌رغم این افزایش سطح کمک‌های غذایی در این سال کمتر از متوسط پنج سال گذشته بود. از جمع کل کمک‌ها مقدار ۵/۳ میلیون تُن یا نود درصد به کشورهای کم‌درآمد واردکننده غذا اختصاص یافته است. درآمد سرانه این کشورها کمتر از هزار دلار بوده و به طور خالص (صادرات منهای واردات) واردکننده غذا هستند. حدود ۵۲ درصد این کمک‌ها به کشورهای فقیر آسیایی ارسال شده است. در سال ۱۳۷۷ حجم کمک به آفریقا افزایش یافت ولی از میزان کمک به آمریکای لاتین کاسته شد.

آینده و وضع غذا

در میان مدت وضعیت غذا و به تبع آن وضع امنیت غذایی در جهان تا حد زیادی در گرو وضع اقتصاد بین‌المللی است. در نتیجه بحران‌های مالی جهانی، چشم‌انداز فعالیت‌های اقتصادی تا حدود زیادی تضعیف شده است. براساس برآوردهای بانک جهانی^۱ در سال ۱۳۷۷ رشد اقتصادی جهان در حد محدود ۱/۸ درصد متوقف شد. در این سال کشورهای در حال توسعه رشدی معادل دو درصد داشته‌اند. رشد حجمی تجارت کاهش یافت و بسیاری از کشورهای در حال توسعه از نزول رابطه مبادله تجاری متضرر شدند. گرچه رشد اقتصادی در همه کشورهای در حال توسعه کاهش یافت ولی مشرق آسیا به دلیل مواجه شدن با بحران مالی شدید بیشترین زیان را تحمل کرد.

دورنمای کوتاه‌مدت آینده نیز، به‌خصوص با توجه به شرایط موجود و روند بهبود با بی‌اطمینانی‌هایی مواجه است. بانک جهانی رشد اقتصادی جهان را در سال ۱۳۷۸ حدود ۱/۹ درصد و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه را ۲/۷ درصد برآورد می‌کند. ولی وضع در سال ۱۳۷۹ بهتر خواهد بود و اقتصاد جهان با رشدی معادل ۲/۷ درصد و کشورهای در حال توسعه با رشدی معادل ۴/۳ درصد مواجه خواهند بود: در میان‌مدت، یعنی بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸، رشد اقتصادی جهان ۳/۲ و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه ۵/۲ درصد پیش‌بینی شده است. باید در نظر داشت که این پیش‌بینی‌ها همواره با بی‌اطمینانی‌هایی همراه است و حتی خود بانک جهانی نیز خطر کاهش رشد را منتفی ندانسته است. آنچه مسلم است آن‌که هر کاهشی در رشد اقتصادی جهان بر درآمد، اشتغال و امنیت غذایی خانوارهای فقیر اثری منفی خواهد داشت. اثر منفی رکود اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و به ویژه در آن گروه از کشورهای در حال توسعه‌ای که به درآمدهای صادراتی حاصل از صدور کالاهای خام و به سرمایه‌های کوتاه‌مدت خارجی برای تأمین کسری تعادل حساب‌های جاری خویش متکی هستند بیشتر احساس خواهد شد.

کاهش چشمگیر قیمت کالاهای صادراتی خام از اواسط سال ۱۳۷۶ و انتظار ادامه این وضع برای بسیاری از فرآورده‌ها در سال‌های آینده زمینه چندان مناسبی برای کشورهای در حال

1. World Bank, *Global Economic Prospects and the Developing Countries*, 1998-99.

توسعه نیست. تنها در سال ۱۳۷۷ کاهش قیمت کالاهای صادراتی منجر به نزول رابطه مبادله به ضرر کشورهای در حال توسعه شد. این زیان معادل یک درصد مجموع تولید ناخالص ملی (GDP) تمامی این کشورها برآورد شده است. این زیان در منطقه خاورمیانه به دلیل کاهش قیمت نفت خام پنج درصد مجموع تولید ناخالص ملی همه کشورهای منطقه بوده است. تأثیر آن بر سایر مناطق نیز عبارت است از ۰/۸ درصد در آمریکای لاتین، سه درصد در آسیای شرقی و ۱/۵ درصد در آفریقا. واضح است که این رویداد وضع کشورهای واردکننده غلات را تا حدودی بهبود بخشیده است.

گرچه در سال ۱۳۷۷ شاخص اسمی کالاهای اساسی صادراتی کشاورزی حدود ۱۳ درصد کاهش یافت و به سطحی کمتر از متوسط سال‌های میانی دهه ۱۳۷۰ رسید، ولی هنوز در سطحی بالاتر از سطح آن در اوایل این دهه است. به دلیل ترکیب متفاوت کالاهای صادراتی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، کاهش ذکر شده در سال ۱۳۷۷ در گروه اول ۱۱ درصد و در گروه دوم ۱۴ درصد برآورد شده است.

گرچه انتظار می‌رود که احتمالاً قیمت کالاهای صادراتی کشاورزی تا حدودی به ثبات نزدیک شود ولی حصول یک ثبات قطعی در کوتاه و میان مدت چندان واقع‌بینانه نیست، زیرا از یک طرف بازار بسیاری از این فرآورده‌ها از نظر تولید دارای ظرفیتی قوی است در حالی که از سوی دیگر، به دلیل پیش‌بینی رشد اقتصادی محدود در جهان، تقاضای وارداتی کشورها چندان رشد نخواهد داشت. نتیجه این عدم تعادل برای امنیت غذایی خانوارها و کشورهای فقیر تصویری رضایت‌بخش ترسیم نمی‌کند.

امنیت غذایی

در سال ۱۳۷۵ سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO / فائو)، برای جلب توجه جهانیان به وخامت وضع گرسنگی و ناامنی غذا در جهان سران همه کشورهای جهان را به شرکت در اجلاسی تحت عنوان "اجلاس جهانی غذا"^۱ دعوت کرد. این اجلاس که در رم محل

1. World Food Summit

استقرار دبیرخانه این سازمان برگزار شد، با استقبال گسترده‌ای مواجه شد. دست‌آورد نهایی این گردهمایی تصویب یک بیانیه سیاسی با عنوان "بیانیه رم" ۱ و یک "برنامه عمل" ۲ به عنوان سند اجرایی اجلاس بود. مهم‌ترین هدف بیان شده در این اسناد کاهش تعداد گرسنگان جهان از ۸۴۰ میلیون نفر به ۴۰۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹۴ بود.

آمارهای موجود نشان می‌دهد که طی سه سالی که از این تصمیم‌گیری می‌گذرد نه تنها جهان به هدف فوق نزدیک نشده است، بلکه با افزایش مطلق تعداد گرسنگان فاصله وضع موجود تا هدف تعیین شده افزایش یافته است. یکی از مشکلات قضاوت دقیق در این زمینه دشواری‌های موجود در مورد آمار و اطلاعات است. در بسیاری از کشورها آمار به روز و واقعی از میزان غذای مصرف شده موجود نیست. فائو برای جبران این کمبود روش برآوردی مبتنی بر ترکیب اطلاعات موجود در زمینه عرضه غذا، جمعیت و میزان دسترسی به غذا (نابرابری‌های موجود در توزیع غذا) را برای سنجش میزان گرسنگی ملاک عمل قرار داده است. اعمال این روش برای ۹۸ کشور در حال توسعه بین سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۸۱ مبین وجود ۸۴۰ میلیون گرسنه بوده که این رقم به عنوان مبنا در اجلاس فوق‌الذکر مورد قبول واقع شد.

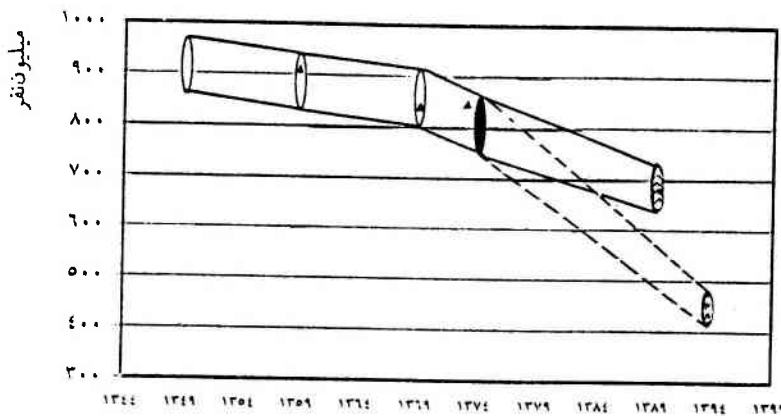
قسمتی از اطلاعات مورد استفاده فائو تا حدودی قدیمی است و صحت آن فقط در دامنه‌ای آماری (درصدی کمتر یا بیشتر از ارقام ذکر شده) قابل قبول است. این موضوع مخصوصاً در مورد آمار مربوط به نابرابری‌های مصرف غذا و در مورد غذاهایی صحت دارد که علی‌رغم آنکه قسمت عمده‌ای از جیره غذایی مردم یک کشور یا ناحیه را تشکیل می‌دهد، آمار دقیقی در مورد تولیدشان وجود ندارد. البته در بسیاری از کشورها آمار جمعیت نیز دقیق نیست. بدین ترتیب برآورد تعداد گرسنگان در هر مقطع زمانی فقط در دامنه‌ای که دربرگیرنده خطاهای آماری است قابل اعتماد است و نه به صورت یک عدد قطعی.

با اعمال این روش و با محاسبه دامنه خطایی معادل به اضافه و منهای پنج درصد (۵٪ ±) تعداد گرسنگان جهان (۸۴۰ میلیون نفر) در دامنه‌ای بین ۸۰۰ تا ۸۸۰ میلیون نفر قابل اعتمادتر است. نمودار شماره ۱ این برآورد دامنه‌ای را برای سال‌های مبنا (۸۱-۱۳۷۹) و سپس تا سال ۱۳۹۴، نشان می‌دهد. در قسمت نقطه‌چین، این دامنه برای سال هدف (۱۳۹۴) براساس

تصمیمات اجلاس سران ترسیم شده است در حالی که سایر قسمت‌های نمودار ادامه روند کنونی را بدون پیاده کردن برنامه عمل اجلاس نشان می‌دهد.

براساس این نمودار بین سال‌های ۸۱-۱۳۷۹ و سال‌های ۸۵-۱۳۸۳ تعداد گرسنگان بر اساس برآورد نقطه‌ای (نه دامنه‌ای) اندکی افزایش یافته است. گرچه این افزایش در حدی نیست که بیانگر یک تغییر ساختاری باشد ولی نگرانی‌هایی را که در مورد امنیت غذایی در جهان وجود دارد به خوبی نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱. تعداد گرسنگان در کشورهای در حال توسعه



سال

- | | | | |
|---|---------------------------|---|------------------------------|
| ○ | دامنه تغییرات | ⊗ | دامنه تغییرات هدف اجلاس سران |
| ◐ | دامنه تغییرات در سال ۱۳۸۹ | ▲ | برآورد در سال ۱۳۷۷ |
| ◑ | دامنه تغییرات در سال ۱۳۷۵ | ▲ | آخرین برآورد سال ۱۳۷۷ |

نمایه‌های امنیت غذایی

به‌طورکلی دوگروه عوامل بر امنیت غذایی تأثیر می‌گذارد. یک دسته عواملی است که با تولید و مصرف و تجارت غذا سروکار دارد و گروه دیگر عوامل اجتماعی و اقلیمی از قبیل جنگ‌ها، کشمکش‌ها و انقلاب‌ها، خشکسالی و طوفان و سیل و جز این‌ها است. در این جا فقط به بررسی عوامل گروه نخست بسنده می‌شود، زیرا متغیرهای گروه دوم تا حد بسیار زیادی ناشناخته و غیرمترقبه است.

جدول ۱، هفت نمایه گوناگون را که از اواسط دهه ۱۳۵۰ برای بررسی وضع امنیت غذایی مورد استفاده قرار داشته است نشان می‌دهد. گرچه این نمایه‌ها فقط محدود به غلات است و سایر مواد غذایی را در بر نمی‌گیرد ولی نظر به سهم بسیار عمده غلات در سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد می‌تواند تا حد زیادی نمایه‌هایی واقعی باشد.

نمایه اول ذخیره غلات را نسبت به حجم تقاضای کل می‌سنجد. براساس مطالعات انجام‌شده در فائو نسبتی بین ۱۷ و ۱۸ درصد را می‌توان سطحی حداقل برای امنیت غذایی دانست. این رقم خود از دو قسمت تشکیل می‌شود یکی "ذخیره در گردش"، که حدود ۱۲ درصد است و دیگری "ذخیره رزرو" در حدود ۵ تا ۶ درصد. گرچه با توجه به تولید خوب جهانی غلات در سال جاری (۱۳۷۸) انتظار می‌رفت که این نمایه افزایش یابد. اما به دلیل کاهش احتمالی ذخیره در کشورهای چین و فدراسیون روسیه این نمایه با کاهشی اندک مواجه خواهد بود ولی خوشبختانه از دامنه حداقل قابل قبول پایین‌تر نخواهد رفت.

نمایه دوم قدرت پنج کشور عمده صادرکننده گندم و غلات علاقه‌ای (جو، ذرت و ارزن) را در تأمین تقاضای واردات این محصولات در کشورهای واردکننده اندازه می‌گیرد. این شاخص (نمایه) از حاصل تقسیم مجموع تولید، واردات و ذخیره‌های آغاز سال بر مجموع مصرف داخلی و صادرات به دست می‌آید. به دلیل افزایش تولید در اروپا و آمریکا مخصوصاً در مورد غلات علوفه‌ای و نیز به دلیل زیادتربودن ذخیره آغازین سال جاری این نمایه افزایشی اندک نشان می‌دهد.

نمایه سوم که از چند جزء تشکیل شده است نسبت حجم ذخیره‌های پایانی کشورهای صادرکننده را به مجموع مصرف داخلی و صادرات این کشورها نشان می‌دهد. براساس این شاخص (نمایه) در سال جاری همه غلات جز برنج وضع بهتری دارند. احتمال می‌رود که چین و ویتنام ذخیره پایان سال خود را در مورد برنج به دلیل کاهش تولید اندکی کاهش دهند.

نمایه چهارم که تغییرات تولید غلات را در بین واردکنندگان عمده یعنی چین، هندوستان و کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق، می‌سنجد، کاهش رشد تولید را در سال ۱۳۷۸ نشان می‌دهد. در این سال تولید کشورهای تازه استقلال یافته با کاهشی قابل توجه مواجه بود. تولید غلات در این کشورها به طور سنتی تأثیری بارز بر بازار تجارت غلات جهان داشته است. این تأثیر رو به کاهش دارد زیرا میزان واردات این کشورها از حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیون تُن در سال در اواسط دهه ۱۳۷۰ به حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیون تُن در حال حاضر (۱۳۷۸) کاهش یافته است. این ارقام به ترتیب نشان‌دهنده بیست و ده درصد کل حجم تجارت غلات در جهان است.

تغییرات کل تولید در کشورهای کم‌درآمد واردکننده غذا که نسبت به نوسانات عرضه کشورهای آسیب‌پذیر هستند به وسیله نمایه پنجم سنجیده می‌شود و نشان‌دهنده درجه امنیت غذایی در این گروه از کشورهاست.

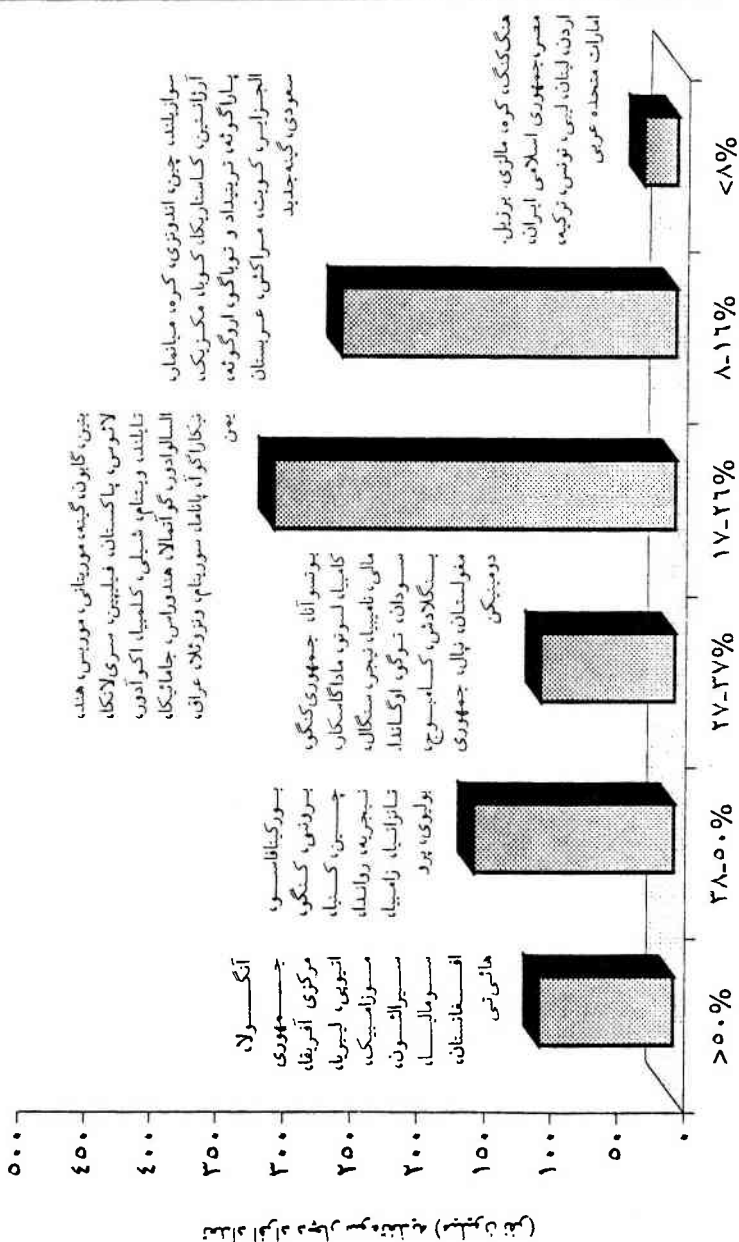
تفاوت نمایه بعدی با شاخص فوق‌الذکر آن است که دو کشور چین و هندوستان از آن حذف شده است. تفاوت چشمگیر بین دو شاخص نشان‌دهنده اهمیت دو کشور فوق‌الذکر به عنوان مهم‌ترین تولیدکنندگان غله در بین کشورهای در حال توسعه است که در سال ۱۳۷۷ هر دو، تولید کمتری نسبت به سال قبل داشته‌اند. البته باید توجه داشت که این سال (۱۳۷۶) برای بسیاری از کشورها از نظر تولید سالی پیشینه بوده است.

نمایه شماره ۷ مقایسه‌ای است از قیمت‌های صادراتی غلات عمده. جز در مورد برنج، قیمت سایر غلات به روند نزولی خود ادامه داده و دلیل آن نیز وجود ذخیره قابل توجه در کشورهای صادرکننده و کاهش تقاضا در کشورهای واردکننده بوده است.

به‌طور کلی نمایه‌های هفتگانه فوق بیانگر بهبود عرضه غلات در سال ۱۳۷۸ نسبت به سال قبل است. قیمت پایین غلات از هم اکنون موجب کاهش کاشت، به ویژه در کشورهای صادرکننده اروپا، کانادا و آمریکا شده است. بدین ترتیب حتی اگر در سال آتی حجم تقاضا زیاد نشود باز هم ذخیره این کشورها کاهش خواهد یافت که به‌طور کلی اثری افزایشی بر قیمت دارد. البته وضع تولید، هم در کشورهای صادرکننده و هم در کشورهای واردکننده در سال آتی مؤثرترین عامل بر روند قیمت خواهد بود.

نمودار شماره ۲ که براساس اطلاعات موجود در سال‌های ۸۱-۱۳۷۹ تهیه شده است طبقه‌بندی کشورهای در حال توسعه را از نظر درجه امنیت غذایی نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۲. جمعیت دچار سوء تغذیه (۸۱-۱۳۷۹)



طبقه‌بندی کشورهای بر اساس شدت ناامنی غذایی

هزینه واردات غلات در جهان

هزینه واردات غلات در سال ۱۳۷۸ برای سومین سال متوالی با کاهش مواجه خواهد بود و به میزانی حدود سال‌های قبل از ۱۳۷۵ بازخواهد گشت. بیشترین کاهش در کشورهای در حال توسعه و به میزان شانزده درصد نسبت به سال ماقبل پیش‌بینی می‌شود. هزینه واردات غلات در این کشورها که در سال قبل ۲۷۰۰۰ میلیون دلار بود به ۲۲۸۰۰ میلیون دلار کاهش خواهد یافت. این کاهش نتیجه کاهش تورم، حجم واردات، قیمت‌های بین‌المللی و افزایش میزان کمک‌های غذایی است.

کمک‌های غذایی اضطراری

گرچه در سال ۱۳۷۸ تولید غلات در کشورهای در حال توسعه نسبت به سال قبل افزایشی اندک نشان می‌دهد ولی تا فروردین ۱۳۷۸ تعداد کشورهایی که به کمک‌های اضطراری غذایی نیازمند بوده‌اند ۳۸ کشور است که در مقایسه با سال قبل یک مورد افزایش دارد. این وضعیت بیشتر در اثر نابسامانی‌های اقلیمی و درگیری‌های محلی ایجاد شده است. توزیع جغرافیایی این موارد به شرح زیر است:

- الف. در آفریقا: کشورهای آنگولا، بروندي، جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری کنگو، اریتره، اتیوپی، گینه بیسائو، لیبیا، رواندا، سیرالئون، سومالی، سودان و تانزانیا
- ب. در آسیا: کشورهای افغانستان، اندونزی، عراق، کره شمالی، لائوس و مغولستان
- ج. در آمریکای جنوبی و مرکزی: کوبا، جمهوری دومینیکن، السالوادور، گواتمالا، گویان، هائیتی، هندوراس، نیکاراگوآ، سنت‌کیتس و نوین.
- د. در کشورهای تازه استقلال یافته و اروپای شرقی: آلبانی، ارمنستان، آذربایجان، بوسنی هرزگوین، گرجستان، مقدونیه، فدراسیون روسیه، تاجیکستان، یوگسلاوی.

سرمایه‌گذاری در کشاورزی و امنیت غذایی

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد به منظور تخمین حجم سرمایه لازم برای کشاورزی و اموری بنیادی و خدمات مربوط به آن در جهت نیل به امنیت غذایی، دو برآورد به دست داده

است. یکی از این برآوردها در مطالعه پیش‌بینی وضع کشاورزی تا سال ۱۳۸۹ به عمل آمده است. در این پیش‌بینی فرض شده است که روند موجود همچنان ادامه یابد. در سناریوی دوم برآورد حجم سرمایه لازم با این فرض انجام شده است که طبق هدف اجلاس جهانی غذا، تعداد گرسنگان تا سال ۱۳۹۴ به نصف تقلیل یابد.

در این برآوردها، هر نهاده‌ای که به نحوی به ظرفیت تولید کشاورزی بیفزاید سرمایه به حساب آمده است. بدین صورت علاوه بر سرمایه‌های فیزیکی، حفاظت منابع طبیعی، دانش و سرمایه انسانی، زیربناهای روستایی و ابزارهای بعد از برداشت نیز جزو سرمایه‌های کشاورزی محاسبه شده است. از جنبه‌ای دیگر سرمایه کشاورزی از دو جزء سرمایه خصوصی و عمومی تشکیل می‌شود و شامل منابع مالی (مانند خرید ماشین‌آلات) و منابع غیرمالی (مانند بهبود اراضی با بهره‌گیری از کارگر خانوادگی یا حفاظت از منابع ژنتیکی) است.

در برآورد اول (حفظ وضع موجود) تا سال ۱۳۸۹ سالانه به‌طور متوسط ۱۶۸ میلیارد دلار سرمایه لازم خواهد بود (جدول ۵). برآورد دوم که هدف به نصف رساندن تعداد افراد دچار سوء تغذیه را تعقیب می‌کند به سرمایه متوسط بیش از ۱۸۰ میلیارد دلار در سال نیاز دارد (جدول ۶).

بیشترین سرمایه را باید بخش خصوصی تأمین کند و بنابراین فراهم ساختن یک فضای اطمینان بخش و تشویق‌کننده از طرف دولت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی از عوامل کلیدی موفقیت است. علاوه بر این سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی به عنوان یک پیش‌نیاز برای تدارک سرمایه‌های خصوصی امری ضروری است. حجم این سرمایه‌گذاری با نوع فعالیت تغییر می‌کند. در حالی که در تولید مستقیم سهم سرمایه‌گذاری دولتی بسیار کم است و میزان آن حدود دو میلیارد دلار در سال برای خدمات آبیاری برآورد شده است، در تحقیقات و امور زیربنایی کل سرمایه باید از طرف دولت تأمین شود.

جدول ۵. متوسط سرمایه سالانه لازم تا سال ۱۳۸۹ در بخش کشاورزی کشورهای
در حال توسعه (روند موجود، میلیارد دلار)

جمع	آفریقا (صحرا)	خاور نزدیک و آفریقای شمالی	آمریکای لاتین و کارائیب	آسیا	نوع سرمایه
۲۵	۲/۹	۲/۵	۶/۲	۱۳/۴	تولید مواد اولیه خالص
۸۷/۴	۶/۵	۱۱/۸	۱۹/۲	۴۹/۸	ناخالص
۱۷/۲	۱/۸	۱/۵	۴/۲	۹/۷	انبار و فراوری خالص
۴۳/۶	۴/۶	۳/۸	۱۰/۶	۲۴/۷	ناخالص
۳۷/۵					زیربنا و خدمات ناخالص
۱۶۸/۵					جمع ناخالص

جدول ۶. متوسط سرمایه سالانه لازم تا سال ۱۳۸۹ در بخش کشاورزی کشورهای
در حال توسعه (هدف به نصف رساندن تعداد گرسنگان در سال ۱۳۹۴، میلیارد دلار)

جمع	آفریقا (صحرا)	خاور نزدیک و آفریقای شمالی	آمریکای لاتین و کارائیب	آسیا	نوع سرمایه
۲۷	۳/۸	۲/۵	۶/۳	۱۴/۳	تولید مواد اولیه خالص
۹۳/۳	۸/۶	۱۲	۱۹/۴	۵۳/۳	ناخالص
۱۸/۵	۲/۴	۱/۵	۴/۲	۱۰/۴	انبار و فراوری خالص
۴۷/۱	۶/۱	۳/۹	۱۰/۷	۲۶/۴	ناخالص
۴۰					زیربنا و خدمات ناخالص
۱۸۰/۴					جمع ناخالص

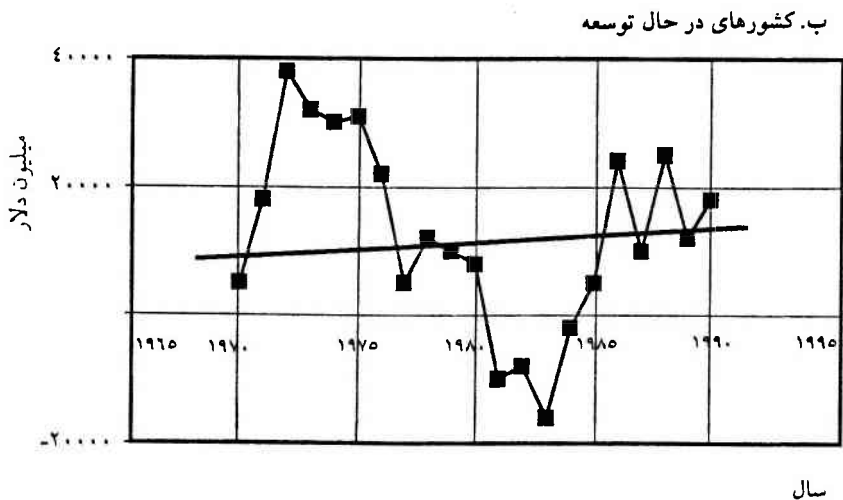
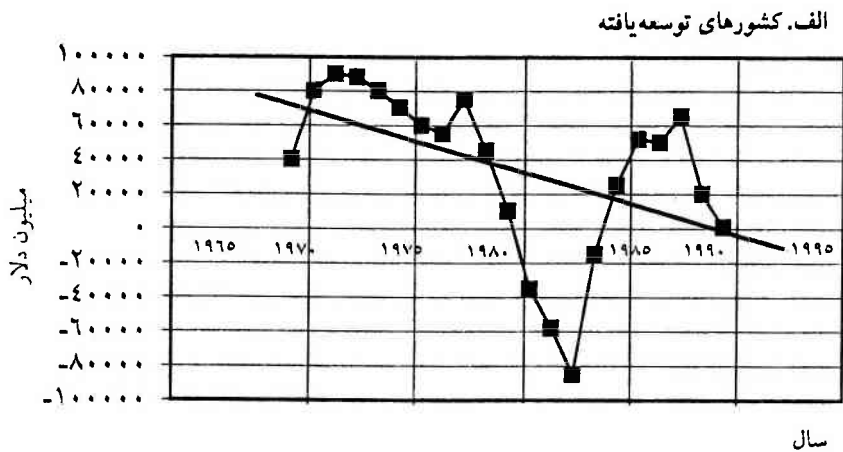
بانک جهانی در تحقیقات اخیر خود به تحلیل علل تفاوت‌های موجود در رشد کشاورزی در کشورهای مختلف پرداخته است. در این تحقیق از اطلاعاتی سازگار و همسان برای سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۲ (۱۳۴۷ تا ۱۳۷۱) در مورد ۵۷ کشور توسعه یافته و در حال توسعه استفاده شده است. دست‌آورد عمده این تحقیق آن است که سرمایه مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رشد کشاورزی است و فقدان آن می‌تواند عمده‌ترین مانع رشد کشاورزی باشد. زمین و سرمایه دو عامل عمده‌ای است که باعث تغییرات تولید طی زمان و تفاوت‌های عملکرد کشاورزی بین کشورهای مختلف می‌شود.^۱

اطلاعات فشرده ارائه شده در این مطالعه نشان می‌دهد که تغییرات سالانه سرمایه کشاورزی در کشورهای توسعه یافته معرف روندی نزولی در میزان سرمایه است و در کشورهای در حال توسعه نیز افزایشی بسیار اندک را نشان می‌دهد. در این مطالعه سرمایه عبارت است از کل سرمایه انباشته شده (انباره) به قیمت‌های سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹)، شامل ساختمان‌ها و ماشین‌آلات و ابزار به اضافه وام‌ها و باغ‌ها.

نمودارهای ۳ الف و ۳ ب به ترتیب روند سرمایه‌گذاری را بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ (۱۳۴۹ تا ۱۳۶۹) در جهان به تفکیک کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد. آنچه در مورد این نمودارها مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد آن است که نمودار الف نود درصد جمعیت کشورهای توسعه یافته را در بر می‌گیرد در حالی که نمودار ب فقط ۴۳ درصد جمعیت کشورهای در حال توسعه را نشان می‌دهد. اگر فرض کنیم که در کشورهای در حال توسعه پراکنش سرمایه تقریباً همسان است در این صورت از نظر حجم کل سرمایه تفاوت چشمگیری بین این دو گروه از کشورها وجود ندارد ولی با توجه به تفاوت عظیم جمعیت این دو گروه، میزان سرمایه سرانه کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به مراتب پایین‌تر از کشورهای توسعه یافته است و بنابراین دلیل عقب‌ماندگی رشد کشاورزی و وضع وخیم امنیت غذایی در اکثر این کشورها توجیهی روشن می‌یابد.

1. Mundlak, Larson, Butzer "The Determinants of Agricultural production a cross country Analysis", 1998.

نمودار شماره ۳. سرمایه‌گذاری در کشاورزی در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ تغییرات سرمایه انباشته به صورت میانگین متحرک پنج ساله



منابع

- قاسمی، حسین. «تعاریف و مبانی نظری امنیت غذایی»، اقتصاد کشاورزی و توسعه (ویژه‌نامه امنیت غذایی)، سال دوم، پاییز، ۱۳۷۳، ص ۱۲-۳۹.
- قاسمی، حسین. «نهادی کردن امنیت غذایی، دیدگاه‌ها»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۷۳، ص ۳۹-۵۱.
- نوروزی، فرح‌آرا و پرناز، صدیقی. «نگاهی به اجلاس جهانی غذا»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۱۶، ۱۳۷۵، ص ۱۱۷-۱۲۶.
- نوری نائینی، سیدمحمدسعید. «امنیت غذایی و اجرای پیمان گات، وضع موجود، تصویر آینده»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۱۰، ۱۳۷۴، ص ۴۱-۷۳.
- FAO, Council (116th session), 1999, "Current World Food Situation", Rome, Italy.
- FAO, Committee on World Food Security, (25th session), 1999, "Assessment of the World Food Security Situation", Rome, Italy.
- FAO Committee on WFS, (25th session), 1999, Investment on Agriculture for Food Security Situation and Resource Requirements to Reach the World Food Objectives.
- UN., Economic and Social Council, Committee on Economic, Social and Cultural Rights, (20th session), 1999, "Substantive Issues Arising in the Implementation of the International Economic, Social and Cultural Rights, Geneva, Switzerland.
- UN., Commission and Human Rights, (55th session), 1999, Economic, Social and Cultural Rights. "The Right to Food".
- World Bank, 1999, "Global Economic Prospects and Developing Countries, 1998-99" Washington D.C., U.S.A.